

بررسی تحلیلی جایگاه و اعتبار کتاب «التمحیص»

عباس محمودی*

چکیده

شناخت میزان اعتبار کتابی که مشتمل بر اخبار معصومان علیهم السلام است، تأثیر مستقیمی در توجه به روایات آن دارد. محمد بن همام اسکافی، از بزرگان محدثان شیعه است. وی عالمی قابل اعتماد بود. کتاب *التمحیص* منسوب به اوست. این کتاب تا پیش از علامه مجلسی رحمته الله شناخته شده نبود، اما در سند آغازین آن نام ابن همام به چشم می خورد. برخی هم این کتاب را به ابن شعبه حرانی نسبت داده اند. آیا *التمحیص* کتابی معتبر است؟ نوشتار حاضر می خواهد، شناسنامه ای تحلیلی از *التمحیص* ارائه کرده و زمینه را برای اعتبارسنجی آن فراهم کند. این مقاله در بردارنده نو یافته هایی درباره ابن همام اسکافی و کتابش است. یافته های جدید در مباحثی چون انتساب کتاب به مؤلف، جایگاه مؤلف و کاربردی بودن روایات *التمحیص* قابل پی گیری است.

کلیدواژه ها: *التمحیص*، ابن همام اسکافی، اعتبارسنجی، حوزه حدیثی بغداد، راویان حدیث شیعه، منابع حدیثی.

* دانش پژوه سطح سه مرکز تخصصی علوم حدیث.

مقدمه

یکی از کتب حدیثی شیعه، کتاب *التمحیص* است. متن پیش رو به اعتبارسنجی این اثر با توجه به ویژگی‌های کتاب، متن و شخصیت مؤلفش، می‌پردازد. عَقلاً برای همه گفته‌ها و اخبار، به یک اندازه ارزش قائل نیستند، بلکه با بهره‌گیری از معیارهایی، به تعیین اعتبار پرداخته و به اندازه ارزش هر خبر به آن توجه می‌کنند.

در تاریخ حدیث، اتفاقاتی رخ داد که باعث راه یافتن شماری از روایات ضعیف به میراث حدیثی شد. اصحاب ائمه علیهم‌السلام از همان عصر صدور حدیث، برای جداسازی احادیث معتبر از جملات نامعتبر تلاش کرده و با پیمودن راه‌های مختلف، سعی می‌کردند جایگاه هر کتاب را بشناسند.

اعتبارسنجی کتب حدیثی، یعنی مشخص کردن میزان اعتبار هر کتاب از حیث انتساب روایات آن به معصوم. تا وقتی صدور جمله‌ای از معصوم ثابت نشود، نسبت دادن آن به ایشان روا نیست و عمل و اعتقاد به آن - الزاماً - تأمین‌کننده سعادت بشر نخواهد بود.^۱ به بهانه وجود روایات ضعیف نیز نمی‌توان میراث حدیثی را کنار گذاشت. بر این اساس، راستی‌آزمایی انتساب روایات موجود در کتب، ضرورت کار حدیثی است.

کتاب *التمحیص* اثری باقی مانده از دوران اوج نگارش‌های حدیثی شیعه است. اختلاف در انتساب این کتاب به ابن‌همام اسکافی، مرسل بودن روایاتش، کاربردی بودن آن، جایگاه خاص مؤلف و برخی ویژگی‌های دیگر، پژوهش درباره *التمحیص* را ایجاب می‌کند. مأموریت این نوشتار جمع‌آوری و جمع‌بندی اطلاعات و تحلیل‌هایی است که به اعتبارسنجی *التمحیص* کمک می‌کند و هدف آن، مشخص شدن میزان اعتبار روایات کتاب برای عمل و استناد است. یکی از فایده‌های این تحقیق، تطبیق ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیثی شیعه بر کتاب *التمحیص* است. شاید نخستین بار است که این ملاک‌ها به شکل علمی و روش‌مند بر کتابی، منطبق می‌شود. فایده دیگر این مقاله معرفی *التمحیص* به جوامع علمی و اثبات اعتبار نسبی آن است.

۱. اثبات صدور روایت از معصوم، راه‌های عقلایی و تفصیلی دارد. در صورتی که پیمودن این راه‌ها نتیجه نداد، راه‌های کلی و تبعیدی وجود دارد که اکنون در صدد پرداختن به آن نیستیم.

تا کنون هیچ پژوهشی با این روش درباره‌ی *التمحیص* انجام نشده است. در ابتدای چاپ مدرسه‌ی امام مهدی علیه السلام درباره‌ی انتساب کتاب به مؤلف، تحقیق خوبی صورت گرفته است و روایات به شکل مختصر تخریح شده‌اند. در چاپ جدید این کتاب با تحقیق و ترجمه‌ی عبدالله صالحی، مطالب مختصری درباره‌ی مؤلف آمده و تخریح روایات، نسبت به چاپ قبلی کامل‌تر است. در کتاب *فرهنگ کتب حدیثی شیعه*^۱ به طور مختصر *التمحیص* معرفی شده و در *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*^۲ مقاله‌ای از حسن انصاری در معرفی این کتاب موجود است که بیشتر به شخصیت مؤلف می‌پردازد. در هیچ‌یک از این نگاه‌ها، اعتبارسنجی *التمحیص* انجام نشده است. اعتبارسنجی این کتاب در قالب و شیوه‌ای نوبر اساس ملاک‌های ارائه شده در پایان‌نامه «ملاک‌های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه» انجام می‌شود. در این روش، مجموعه معیارهایی که می‌تواند در اعتبار کتاب، نقش داشته باشد در سه محور اصلی بررسی می‌شود که عبارتند از: ویژگی‌های مؤلف، صفات کتاب و ویژگی‌های متن. هر یک از معیارها به طور طبیعی، اعتباری را متوجه کتاب کرده یا از آن می‌کاهند. جمع‌بندی معیارها با استفاده از روش‌های خاص، می‌تواند جایگاه نهایی اثر را تعیین کند که این مقاله در صدد جمع‌بندی نهایی آن نیست.

نوشتار حاضر در سه بخش تنظیم شده است. بخش اول، به تحلیل شخصیت مؤلف می‌پردازد. بخش دوم ویژگی‌های کتاب *التمحیص* را بررسی کرده و در بخش سوم متن کتاب مورد بحث قرار می‌گیرد.

الف) شناسایی تحلیلی ابن‌همام اسکافی

ابوعلی محمد بن ابی‌بکر همام بن سهیل کاتب اسکافی در روز دوشنبه ۲۴ ذی‌الحجه سال ۲۵۸ هجری زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام متولد شد. اسکاف، منطقه‌ی منسوب به طایفه بنی‌جنید، در حومه‌ی نهروان، حوالی بغداد است.^۳ خطیب بغدادی محل سکونت او را «سوق العطش»، از محلات بغداد، می‌داند. نجاشی وی را

۱. ج. ۱، ص. ۲۸۸.

۲. ج. ۵، مقاله‌ی شماره ۱۹۱۳.

۳. *تفیح‌المقال*، ج. ۲، ص. ۵۸، ۱۰۲۳۱.

از بزرگان و متقدمان اصحاب امامیه معرفی کرده و می‌گوید: او دارای جایگاهی بزرگ است. اسکافی به دعای امام عسکری علیه السلام متولد شد^۱ و در روز پنج‌شنبه ۱۹ جمادی‌الثانی سال ۳۳۶ هجری وفات کرد و در قبرستان قریش واقع در بغداد دفن شد.^۲

در اعتبارسنجی کتاب، شناسایی دقیق مؤلف، نقش اساسی دارد. روشن بودن جایگاه و ویژگی‌های علمی و خانوادگی نویسنده بر اعتبار کتاب اثرگذار است. هرچه نویسنده از لحاظ علمی بالاتر باشد، کاروی سنجیده‌تر خواهد بود. در کتاب‌های حدیثی، شخصیت علمی مؤلف در جمع‌آوری، گزینش و چگونگی ارائه روایات، ظاهر می‌شود. جایگاه علمی اسکافی در قالب محورهای ذیل بررسی می‌شود.

۱. اساتید

ابن همام اسکافی از اساتید بزرگی بهره برده و از مشایخ متعددی حدیث نقل کرده که در بین آن‌ها چهره‌های نامداری چون: احمد بن محمد خالد برقی^۳ دانشمند و مؤلف بزرگ شیعی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ق)، عبدالله بن جعفر حمیری^۴ نویسنده و عالم بزرگ امامیه (متوفای حدود ۲۹۳ ق)، محمد بن عثمان^۵ (م ۳۰۵ ق) و حسین بن روح نوبختی^۶ (م ۳۲۶ ق)، هر دو وکیل امام زمان علیه السلام دیده می‌شود. اسکافی از ۸۶ نفر روایت کرده^۷ و از این حیث جزو چهره‌های پراستادی است که شاگرد اساتید بزرگ شیعه بوده است.

۲. آثار

نگاشته‌های عمیق و مؤثر، یکی از مؤلفه‌های شناخت جایگاه علمی افراد است. تنها کتابی که از ابن همام باقی مانده *التمحیص* است. نجاشی از کتاب دیگری با نام *الانوار*

۱. رک: رجال نجاشی، ص ۳۸۰، رقم ۱۰۳۲.

۲. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۳۶۵، ۱۴۸۰.

۳. دلائل الامامه، ص ۷۹، ج ۱۸ و ص ۱۳۴، ج ۴۳.

۴. اسالی (مفید)، ص ۱۳۷، ج ۶، ص ۱۵۰، ج ۸، ص ۲۷۹، ج ۵؛ اسالی (طوسی)، ص ۷۹، ج ۱۱۶، ص ۸۶، ج ۱۳۱، ص ۱۰۷، ج ۱۶۴.

۵. کمال‌الدین، ص ۳۴۸، ج ۳ و الغیبه (طوسی)، ص ۳۷۱، ج ۳۴۱.

۶. الغیبه طوسی، ص ۴۰۹، ج ۳۸۴.

۷. براساس تخریجی که از روایات ایشان صورت گرفته، این نتیجه به دست آمده است.

فی تاریخ الائمه علیهم السلام نام می برد.^۱ ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی (م ۲۸۳ ق) در کتاب *الغارات* دوروایت درباره ثواب زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام و محل دفن آن حضرت از امام رضا و امام جواد علیهما السلام از کتاب *الانوار* نقل کرده و این کتاب را از تألیفات ابن همام دانسته است.^۲ فرحة الغری نیز از *الانوار* روایت نقل کرده و کتاب را به ابن همام نسبت داده است.^۳ ابن شهر آشوب در *معالم العلماء*^۴ و به نقل علامه مجلسی، حسین بن عبد الوهاب در *عیون المعجزات* نیز کتاب *الانوار* را به ابن همام منتسب کرده اند. *مدینه المعاجز* روایتی از قول سید مرتضی از *الانوار* آورده که ایشان نیز کتاب را از آن ابن همام دانسته است.^۵ بر این اساس می توان گفت، ابن همام کتابی به نام *الانوار* داشته که در تاریخ ائمه علیهم السلام بوده است. گرچه اکنون خبری از آن نداریم، اما ظاهراً منتخبی از این کتاب نزد علامه مجلسی بوده است.^۶

۳. حوزه حدیثی

اعتبار کتاب از جهتی، وابسته به شهرت و اعتبار حوزه ای است که نویسنده در آن پرورش یافته است. از آن جایی که اکثر اساتید ابن همام، بغدادی هستند و گزارشی مبنی بر خروج ایشان از بغداد وجود ندارد، به احتمال زیاد او در حوزه حدیثی بغداد تحصیل کرده و *التمحیص* در همان حوزه تألیف و منتشر شده است. در آن روزگار، بغداد یکی از مهم ترین حوزه های حدیثی شیعه بود که کلینی هم در آن حضور داشت. تعدادی از بزرگ ترین کتابخانه های شیعی در بغداد بود و بزرگانی چون ابو عمرو عثمان بن سعید در دوره اسکافی در آن جا زیسته اند. رشد و پرورش ابن همام در چنین حوزه ای به طور طبیعی بر علم و اندیشه وی اثر گذاشته و آثار او را از وزانت و قوت برخوردار می کند.

۱. رجال نجاشی، ص ۳۸۰، رقم ۱۰۳۲.

۲. الغارات ج ۲، ص ۸۵۸.

۳. فرحة الغری فی تعیین قیر امیرالمؤمنین، ص ۱۰۵.

۴. معالم العلماء، ص ۹۰.

۵. مدینه المعاجز، ج ۱، ص ۲۲۴.

۶. رک: بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۷. نسخه واحدی از منتخب *الانوار فی تاریخ الائمه الاطهار* علیهم السلام در مرکز احیاء تراث اسلامی قم (به رقم ۵/۲۹۰) موجود است. که در جلد پنجم میراث حدیث شیعه به چاپ رسیده است. ظاهراً این کتاب همان منتخبی است که نزد علامه مجلسی علیه السلام موجود بوده است.

تألیف و انتشار یک کتابی در حوزه‌های بزرگ نیز بر اعتبار آن اثر می‌گذارد. کتابی که در کنار کتابخانه‌های گسترده نگاشته شده، امتیاز بهره‌مندی از نسخه‌های گران قدر آثار اسلامی را دارد و متقن تر است. حتی اگر مؤلف از همه کتاب‌ها در تألیف خویش استفاده نکند، اما حضور در کنار گنجینه‌های بزرگ اسلامی و مطالعه کتب آن که سیره علمای شیعه بوده، نگاشته را عمیق‌تر و مفیدتر خواهد کرد و نویسنده دانشمند *التمحیص* از چنین امتیازی برخوردار است.

۳. شاگردان، راویان و شهرت علمی

شاگرد عالم و برجسته، از عالم بودن استاد حکایت می‌کند. از جمله راه‌هایی که درجه علمی افراد را مشخص می‌کند، تعداد شاگردان و مرتبه علمی آن‌هاست. در بین شاگردان ابن همام نام افرادی چون محمد بن ابراهیم نعمانی صاحب *الغیة*^۱ (م ۳۶۰ ق) و ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه^۲ صاحب *کامل الزیارات* (م ۳۶۷ ق) به چشم می‌خورد.

مجموعه راویان وی، ۲۹ نفرند. نجاشی درباره اسکافی تعبیر «شیخ اصحابنا و متقدم» را به کار برده است. شبیه این تعبیر، فقط درباره شش نفر دیگر آمده که عبارتند از: زرارة بن اعین،^۳ کلینی،^۴ محمد بن یحیی ابوجعفر عطار قمی،^۵ جعفر بن حسین بن علی بن شهریار ابومحمد مؤمن قمی،^۶ علی بن بلال بن ابی معاویه ابوالحسن مهلبی^۷ و عمر بن محمد بن عبدالرحمان بن اذینه.^۸

«شیخ» بودن اسکافی، نشانه استادی وی در حدیث است. علما بی‌جهت از کسی تمجید نکرده و لقب استادی به هر کسی نمی‌دهند. به همین دلیل، محدث نوری رحمته الله در تجلیل مقام علمی او، تعبیر «الشیخ الجلیل» را به کار می‌برد.^۹ نجاشی در ادامه

۱. *الغیة* (النعمانی)، ص ۲۴، ۲۸، ۳۷، ۴۱، ۴۲ و....

۲. *امالی* (مفید)، ص ۲۹۱، ح ۹، ص ۳۰۰، ح ۱۱: *امالی* (طوسی)، ص ۵۰، ح ۶۶، ص ۶۸، ح ۹۸.

۳. *رجال نجاشی*، ص ۱۷۵، رقم ۴۶۳.

۴. همان، ص ۳۷۷، رقم ۱۰۲۶.

۵. همان، ص ۳۵۴، رقم ۹۴۶.

۶. همان، ص ۱۲۴، رقم ۳۱۷.

۷. همان، ص ۲۶۶، رقم ۶۹۰.

۸. همان، ص ۲۸۴، رقم ۷۵۲.

۹. *مستدرک وسائل الشیعه*، ج ۷، ص ۱۹۸، ح ۸۰۲۰.

توصیفش گفته: «له منزلة عظیمه».^۱

هرچه شیخ حدیث، جایگاه علمی والتری داشته باشد، آثار او هم رتبه بالاتری خواهد داشت و از این جهت، *التمحیص کتابی* پرارزش است. همه این‌ها نشان دهنده شهرت علمی اسکافی نیز هست.

۴. تمرکز بر کار علمی و تخصص

یکی از نشانه‌های تمرکز بر کار علمی، کثیرالروایه بودن است. نجاشی^۲ و شیخ طوسی^۳، ابن‌همام را «کثیرالحدیث» دانسته‌اند^۴ و این قرینه‌ای است بر تمرکز اسکافی بر کار علمی. تخصص مؤلف نیز بر نگاه‌هايش اثر گذاشته و آن را متقن می‌کند. به گفته ابن‌غضائری، ابن‌همام اسکافی متخصص و باتجربه است.^۵ در حقیقت، *التمحیص* را دانشمندی متخصص، عاقل، باتجربه و متمرکز بر کار علمی نگاه‌هاسته و همه این‌ها وجهه‌ای در اعتبار کتاب است.

۵. ضبط و صداقت

محدثان، یکی از شرایط پذیرش روایات را ضبط راوی دانسته‌اند. «ضبط» یعنی برخورداری از قوه حفظ و ثبت روایات.^۶ قدما در کتاب‌های رجال، بسیاری از اشخاص را ثقه شمرده‌اند. این توثیق، دست کم به معنای اعتماد به روایات راوی است و ضبط و راست‌گویی او را تأیید می‌کند.^۷ ابن‌همام نیز به این صفت توصیف شده است.^۸ توصیف اسکافی به «شیخ اصحابنا» در کلام نجاشی و شیخ طوسی بر عدالت و بزرگی جایگاه وی دلالت می‌کند. ابن‌غضائری علاوه بر آن که وی را «شیخ» دانسته،^۹ در موارد متعددی با یک واسطه از او روایت نقل کرده و یکی از طرق شیخ طوسی،

۱. رجال نجاشی، ص ۳۸۰، رقم ۱۰۳۲.

۲. رجال نجاشی، ص ۳۷۸، رقم ۱۰۳۲.

۳. الفهرست، ص ۱۴۱، رقم ۶۰۲.

۴. اردبیلی نیز او را با صفت کثیرالحدیث بودن می‌ستاید. رک: جامع‌الروایة، ج ۲، ص ۴۵.

۵. رک: رجال نجاشی، ص ۱۲۲، رقم ۳۱۳.

۶. تدریب الراوی، ص ۲۲۸.

۷. رک: مجله حدیث اندیشه، «اعتبارسنجی احادیث شیعه: مبانی و زیرساخت‌ها» ش ۱۱ و ۱۰، ص ۴۰، ۱۳۹۰ ش.

۸. رجال نجاشی، ص ۱۲۲، رقم ۳۱۳؛ الفهرست، ص ۱۴۱، رقم ۶۰۲، رجال، ص ۴۹۴، رقم ۲۰.

۹. رک: رجال نجاشی، ص ۱۲۲، رقم ۳۱۳.

حسین بن عبیدالله غضائری از ابی محمد هارون بن موسی تلعکبری از ابن همام اسکافی است.^۱ این نقل روایت آن هم از سوی ابن غضائری می‌تواند مؤیدی بر وثاقت مؤلف باشد. با توجه به توثیق‌های فراوان و بدون قید و شرطی که از بزرگ‌ترین رجالیان شیعه از قدما و متأخران^۲ درباره ابن همام رسیده است، به راحتی می‌توان به روایات وی اعتماد کرد.

۶. خانواده

یکی از امتیازات شخصیت اسکافی، رشد و حضور در خانواده اهل علم و تقوا است. خانواده‌های عالم و عالم‌پرور زمینه‌های رشد علمی و عملی فرزندان را فراهم می‌کنند. پدر اسکافی از شخصیت‌های بزرگ دینی بود که به امام حسن عسکری علیه السلام نامه نوشت و عرض کرد: «برای من فرزند پسری باقی نمانده؛ اکنون همسرم آبستن است، دعا بفرمایید که خداوند به ما پسری نجیب، از موالیان اهل بیت عنایت کند.» امام در بالای نامه با خط خود نوشتند: «خداوند خواسته‌ات را برآورده نمود.» هارون بن موسی تلعکبری می‌گوید: «ابوعلی بن همام آن نامه و دست‌خط را به من نشان داد که دقیق و آشکار بود.»^۳ بنابراین، ابن همام به دعای امام معصوم متولد شده و این منزلتی بزرگ برای او است.

ب) ویژگی‌های کتاب

شناخت ویژگی‌های منبع حدیثی، می‌تواند در تعیین اعتبار آن مؤثر باشد. قدمت، شهرت، هویت، نسخه، منابع و اهتمام مؤلف به کتاب در این محور قابل ارزیابی است.

۱. قدمت

معمولاً کتاب‌هایی که به عصر معصومان علیهم السلام نزدیک‌ترند، اعتبار بیشتری دارند. هر

۱. رک: *امالی* (طوسی)، ص ۳۰۰، ح ۵۹۴، ص ۳۰۵، ح ۶۱۱، ص ۶۳۴، ح ۱۳۳۶، ص ۶۹۷، ح ۱۴۸۸، ص ۷۰۱، ح ۱۴۹۸، ص ۱۴۹۹؛ *الغیبة*، ص ۲۱۵، ح ۱۷۹.

۲. علامه حلی درباره او می‌گوید: «شیخ اصحابنا و متقدمهم، له منزلة عظيمة، كثير الحديث، جليل القدر، ثقة»؛ *خلاصة الاقوال*، ص ۱۴۶، رقم ۳۸؛ علامه مجلسی می‌گوید: «وهو ثقة امامی»؛ *رجال مجلسی*، ص ۳۱۷، رقم ۱۸۱۴.

۳. *رجال نجاشی*، ص ۳۸۰، رقم ۱۰۳۲.

چه قدمت کتاب حدیثی بیشتر باشد، واسطه‌ها کم شده و احتمال اشتباه در انتقال سخن کاهش می‌یابد. *التمحیص* در عصر غیبت صغری نگاشته شد؛ زمانی که امکان ارتباط با امام عصر علیه السلام از طریق نواب خاص فراهم بود و بخشی از امور از این راه مدیریت می‌شد. در این دوره ارتباط با نواب امام زمان علیه السلام و مباحثه علمی با آنها، فضیلتی بزرگ به حساب می‌آمد. مؤلف *التمحیص* شخصیتی است که با سه نفر از نواب خاص حضرت حجت علیه السلام رابطه داشته و از آنها روایت نقل کرده^۱ است؛^۲ لذا این کتاب از جهت قدمت جایگاه خوبی دارد.

۲. شهرت

اعتماد اهل فن و فضل به منبعی که نشانه قوت کتاب است، تأثیر بسیاری در جایگاه آن دارد. هر کتابی نزد علما شهرت نمی‌یابد، بلکه ایشان با توجه به ویژگی‌های کتاب به آن اعتماد می‌کنند. شیخ طوسی رحمته الله درباره ابن همام می‌گوید: «له روایات کثیره، اخیرنا به عدة من اصحابنا»^۳ جمله دوم می‌تواند قرینه‌ای بر شهرت روایات او باشد. خبر دادن عده‌ای از بزرگان شیعه از روایات یک راوی، دال بر شهرت نسبی روایات اوست. هرچند روایات ابن همام مشهور است، ولی در این میان نامی از *التمحیص* دیده نمی‌شود. در دوره‌های بعد هم تا قرن دهم نامی از *التمحیص* دیده نمی‌شود. اما در دو جامع حدیثی متأخر شیعه (یعنی *بحارالانوار* و *مستدرک الوسائل*) به این کتاب مراجعات متعددی شده و آن را به عنوان یکی از منابع مورد اعتماد خود شمرده‌اند.^۴ در مجموع به نظر می‌رسد این کتاب، بین قدما شهرتی نداشته و از زمان علامه مجلسی به بعد مطرح شده است.

۳. هویت

وقتی می‌توان درباره یک کتاب، قضاوت کرد که هویت آن روشن باشد. انتساب

۱. رک: *جمال الاسبوع*، ص ۵۲۱ و ۵۲۲؛ *کمال الدین*، ص ۳۴۸، ح ۳؛ *الغیبة (طوسی)*، ص ۳۷۱، ح ۳۴۱، ص ۴۰۹، ح ۳۸۴، (آخری از حسین بن سعید).

۲. *الغیبة (طوسی)*، ص ۴۰۹؛ *وسائل الشیعه*، ج ۱۶، ص ۲۴۲.

۳. *الفهرست*، ص ۱۴۱، رقم ۶۰۲.

۴. علامه مجلسی در ۱۳ مورد از این کتاب نقل کرده. (*بحارالانوار*، ج ۶۴، ص ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ج ۶۵، ص ۱۴۴، ۱۴۶، ۲۰۰، ج ۷۰، ص ۳۶۲ و...) و محدث نوری ۴۷ حدیث *التمحیص* را در *مستدرک الوسائل* آورده است. (ج ۲، ص ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۴۲۳، ۴۳۳، ۴۳۴ و...)

کتاب به مؤلف و جداسازی آن از کتاب‌های مشابه، دو محور در شناسایی هویت کتاب است. ثابت بودن انتساب کتاب به مؤلف، تأثیر مستقیمی در اعتبار آن دارد، زیرا تا انتساب، ثابت نشود ملاک‌های مربوط به مؤلف کارایی نخواهد داشت.

در انتساب *التمحیص* به ابن همام تشکیک شده است. شیخ ابراهیم قطیفی^۱ (متوفای حدود ۹۴۵ق)، شیخ حر عاملی^۲ (م ۱۱۰۴ق)، صاحب ریاض^۳ (م ۱۲۳۱ق)، سیدحسن صدر^۴ (م ۱۳۵۴ق) و سید محسن امین^۵ (م ۱۳۱۷ق) کتاب را به «ابن شعبه حرانی» منتسب کرده‌اند.

این گروه مجموعاً سه دلیل آورده‌اند: اول این که شیخ ابراهیم قطیفی اولین کسی است که کتاب را به ابن شعبه نسبت داده و اولین کسی که کتاب را به ابن همام منتسب کرده، علامه مجلسی است و از آن جا که قطیفی بر مجلسی تقدم زمانی دارد، قول او مقدم است. دلیل دوم، اعلییت قطیفی بر مجلسی در کتاب شناسی است که در موارد اختلاف، قول اعلی م تقدم است. سومین دلیل، عدم ذکر نام کتاب در کتب رجال و فهرست - ضمن ترجمه ابن همام - است. در نقد این ادله باید گفت: تقدم قول عالمی بر عالم دیگر به جهت تقدم زمانی، در جایی است که فاصله زمانی بین دو عالم، قابل توجه باشد، به گونه‌ای که عالم متقدم، در عصر نزدیک به حادثه مورد اختلاف زندگی کند؛ در این صورت ممکن است او قرائنی داشته باشد که به متأخران نرسیده است، ولی فاصله بین مجلسی و قطیفی چنین نیست. قطیفی در سال ۹۴۵ هجری قمری زنده بوده و مجلسی در سال ۱۱۱۱ هجری قمری وفات یافته است، در حالی که ابن همام متوفای سال ۳۳۶ قمری است.

اعلمییت قطیفی بر مجلسی در کتاب شناسی هم ادعایی اثبات نشده است. عدم ذکر نام کتاب در کتاب‌های رجال و فهرست نیز باعث نفی انتساب نمی‌شود. اشکال دیگر این که اگر *التمحیص* در کتاب‌های فهرست جزو آثار ابن همام نیامده، در هیچ جا جزو آثار ابن شعبه حرانی نیز نیامده است.

۱. *التمحیص* (مقدمه)، نقل از: *الوفیة فی تعیین الفرقة الناجیة*، ص ۹۱، س ۵.

۲. *امل الامل*، ج ۲، ص ۷۴ و ۱۹۸.

۳. *ریاض العلماء*، ج ۱، ص ۲۴۴.

۴. *تأسیس الشیعه لعلوم الاسلام*، ص ۴۱۳.

۵. *اعیان الشیعه*، ج ۲۲، ص ۳۲۰.

در طرف مقابل، علامه مجلسی، آقا حسین خوانساری^۱ (م ۱۱۹۱ق)، محدّث نوری (م ۱۳۲۰ق) و آقابزرگ تهرانی^۲ (م ۱۳۸۵ق)، کتاب را از ابن همام اسکافی دانسته‌اند. محدّث نوری می‌گوید:

اینکه در اولین روایت کتاب، نام ابن همام آمده، خود قرینه است بر این‌که از تألیفات وی است و این شیوه مرسوم در غالب کتاب‌های محدثان قدیم بوده است.^۳ نمونه این امر را می‌توان در ابتدای کتاب *المحاسن برقی*^۴، *الکافی کلینی*^۵، *من لایحضره الفقیه صدوق*^۶، *الامالی طوسی*^۷، *الاختصاص* شیخ مفید^۸ و *کامل الزیارات* ابن قولویه^۹ دید.

علامه مجلسی رحمته الله می‌گوید: «یظهر من القرائن الجلیّه انه من تألیفات ابن همام.»^{۱۰} بر این اساس، گرچه انتساب *التمحیص* به ابن همام مُحمّط است، اما قابل انتساب قطعی نیست، زیرا در مقایسه بین نقلیات ابن همام در سایر منابع با *التمحیص*، روشن می‌شود که شباهتی بین آن‌ها نیست. به هر حال حتی اگر کتاب، مردد بین ابن همام و ابن شعبه باشد، ضرری به اعتبار آن نمی‌زند، زیرا هر دو جلیل‌القدر و ثقه^{۱۱} هستند.

با مراجعه به کتاب‌های فهرست و تحقیق در اسناد و متن کتاب *التمحیص*، روشن می‌شود که نام دیگری برای این کتاب ذکر نشده و کسی در نام آن تشکیک نکرده است. مهم‌ترین که مؤلف، خود در مقدمه، نام کتاب و علت انتخاب این اسم را بیان کرده است. هم‌چنین کتاب دیگری، به اسم *التمحیص* نام‌گذاری نشده است؛ در نتیجه،

۱. *روضات الجنات*، ج ۶، ص ۱۵۱.

۲. *الذریعه*، ج ۳، ص ۴۰۰.

۳. *مستدرک الوسائل*، ج ۱۹، ص ۱۸۶.

۴. *المحاسن*، ج ۱، ص ۳.

۵. *الکافی*، ج ۱، ص ۱۰.

۶. *الفقیه*، ج ۱، ص ۵.

۷. *الامالی*، ص ۳.

۸. *الاختصاص*، ص ۱.

۹. *کامل الزیارات*، ص ۱۰.

۱۰. *بحارالانوار*، ج ۱، ص ۱۷.

۱۱. حسن بن علی بن شعبه حرانی، محدثی فاضل و جلیل‌القدر است. آقابزرگ تهرانی او را از علمای قرن چهارم دانسته است. ابن شعبه از ابن همام اسکافی روایت نقل کرده و شیخ مفید از ابن شعبه روایت دارد. ایشان صاحب کتاب *تحف العقول عن آل الرسول* است. ر. ک: *ریاض‌العلماء*، ج ۱، ص ۲۴۴؛ *تنقیح‌المقال*، ج ۱، ص ۲۹۳، ش ۲۶۴۱؛ *الذریعه*، ج ۴، ص ۴۳۱، ش ۲۶۴۱.

فقط یک کتاب *التمحیص*، با یک نام و یک مؤلف، وجود دارد.

۴. نسخه

قوت نسخه یک اثر، دلیل اهتمام بزرگان به آن است. قدمت، شهرت و تعدد نسخه، طریق معتبر آن، وقوع نسخه و کتاب در سلسله اجازات، شهرت و جایگاه علمی مستنسخان و کیفیت ظاهری نسخه، از عوامل تأثیرگذار بر قوت نسخه است. کتاب *التمحیص* نسخه‌های متعددی داشته و دارد. آقابزرگ تهرانی از سه نسخه خطی نام برده است.^۱ مدرسه امام مهدی علیه السلام در تصحیح کتاب *التمحیص* از سه نسخه استفاده کرده که قدیمی‌ترین آن، نسخه صفایی خوانساری رحمته الله است و در جمادی الآخر ۱۳۶۷ هجری قمری بر اساس نسخه محدث نوری رحمته الله نوشته شد که آن هم در محرم الحرام ۱۲۸۰ قمری نگاشته شده بود.^۲ سه نسخه نیز در کتابخانه آیه الله مرعشی موجود است که قدیمی‌ترین آن در سال ۱۰۰۹ قمری استنساخ شده است. نسخه‌های موجود *التمحیص* امتیاز قدمت، شهرت و طریق معتبر را ندارند؛ هم‌چنین این کتاب و نسخه‌هایش در سلسله اجازات واقع نشده‌اند، اما متعدد بوده‌اند.

۵. منابع

یکی از عوامل مؤثر بر اعتبار کتاب، منابع مورد استفاده آن است. از آن جا که مؤلف *التمحیص*، منابع خویش را ذکر نکرده و احادیث کتابش مرسل است شناسایی منابع، مشکل می‌باشد. اما با توجه به نگارش *التمحیص* پیش از تدوین جوامع حدیثی شیعه و در عصر وجود اصول اولیه، به احتمال قوی، مطالب کتاب از اصول و یا جوامع حدیثی پیش از کافی نقل شده است. این گمان با نظر به این‌که ابن‌همام اسکافی از بزرگان شیعه و متقدمان است، تقویت می‌شود. حضور وی در بغداد که در آن دوره یکی از مراکز اصلی و پرامکانات علمی شیعه بود، مؤید این احتمال است.

۶. اهتمام مؤلف به کتاب

توجه یک مؤلف به کتابش، موجب وزانت و کاهش خطاهای آن خواهد شد. این اهتمام با بررسی چند محور به دست می‌آید.

۱. الذریعه، ج ۴، ص ۳۱۴.

۲. *التمحیص*، ص ۷۵ خاتمه کتاب.

۶-۱. هدفمندی نگاشته

مؤلفی که بر اساس هدف از پیش تعیین شده می‌نگارد، متونش را گزینش کرده و با دقت، به چینش آن می‌پردازد. هدفمندی کتاب، آن را از برخی ضعف‌ها مصون می‌دارد. ابن‌همام در مقدمه کتاب، هدف خویش را این‌گونه بیان کرده:

انواع آزمایش‌های الهی را در این کتاب آوردم ... تا درسی برای دانشمندان و بهره‌ای برای دانش‌پژوهان و تقویت‌کننده یقین سست‌یقینان و التیام‌بخش شکست‌های دنیا و بشارت‌دهنده شادی‌های آخرت و برطرف‌کننده اندوه کسانی که دچار غم طولانی شده‌اند و اشتغالات فکری بر آن‌ها چیره گشته، باشد و انسان را به سمت پروردگارش بازگردانده و او را به وعده‌های امامش اطمینان بخشد.^۱

بر این اساس، کتاب *التمحیص* با برنامه‌ریزی، تفکر و دقت نگاشته شده است، کتابی که در آن نیاز و نفع مخاطب رعایت شده و برای مشکلات وی نسخه دینی تجویز می‌شود.

۶-۲. شیوه تحمل حدیث

اخذ حدیث، شیوه‌های مختلفی داشت که عالی‌ترین و مطمئن‌ترین آن «سماع» بود. سماع یعنی راوی در حضور شیخ، روایتی را که او از روی حافظه یا نوشته می‌خواند، استماع کند. سماع با الفاظی مانند: «سمعت فلانا» و «حدثنی» بیان می‌شود. در *التمحیص* بر اساس قرائن می‌توان احتمال داد که شیوه تحمل حدیث مؤلف، سماع بوده است. در اولین روایت کتاب، سند با تعبیر «حدثنی» و این چنین آمده:

حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ الْحَمَيْرِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ وَعَبْدُ اللَّهِ ابْنَا مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَاطٍ وَكَرَّامٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ...^۲

در روایات دیگر کتاب لفظ «عن» آمده است.^۳ در دوره قدما بیان طریق تحمل، مرسوم بود و دانشمندان تنها به پذیرش حدیث از طرق تحمل معتبر رغبت نشان می‌دادند، اما از آن‌جا که ذکر طریق تحمل، سند را طولانی می‌کرد، محدثان

۱. *التمحیص*، ص ۴۰، مقدمه مؤلف.

۲. *التمحیص*، ج ۱.

۳. همان، ج ۲، ۳، ۴، ۵، ۶ و ...

به تلخیص سند و معنعن کردن آن روی آوردند. اما حذف عمدی عبارات معرّف طریق تحمّل، تدلیس محسوب می‌شد، لذا این کار فقط از افراد شناخته شده و ضابط پذیرفته بود.^۱ بر این اساس، معنعن آوردن روایات توسط شخصیتی مثل ابن‌همام که مورد اعتماد بزرگان شیعه است، تفاوت چندانی با ذکر الفاظی چون «حدثنا» ندارد؛ مخصوصاً وقتی در اولین سند، به روش تحمل سماع تصریح شده و در مابقی روایات حذف شده، معلوم می‌شود که نویسنده، آن را به جهت تلخیص نیاورده است.

البته تذکر این نکته لازم است که نسخه التمهیص معتبر نیست و نمی‌دانیم این حذف از ناحیه نویسنده صورت گرفته یا مستنسخ، و از آن جایی که معلوم نیست مستنسخ، چه کسی بوده است، با توجه به دوقرینه مذکور، صرفاً احتمال می‌رود که روش تحمل، سماع بوده باشد و احتمال مخالف آن نیز منتفی نیست.

۳-۶. استناد مطالب

سخنی که سند آن تا گوینده اصلی روشن باشد، بر کلامی که چنین سندی، ندارد مقدم است. به همین دلیل، بسیاری از محدثان سعی می‌کردند سند روایت را تا معصوم ذکر کنند، اما میزان پای بندی به ذکر سند در موضوعات مختلف یکسان نبود. بیشترین سخت‌گیری‌ها در متون فقهی بود، ولی در موضوعات اخلاق، آداب و سنن توجه جدی به سند نمی‌شد، چراکه فطرت انسان، عقل، روایات تسامح در ادله سنن و احادیث «من بلغ» پشتوانه احادیث اخلاقی، آداب و سنن قرار گرفته و محدثان برای معتبرسازی روایات، خود را بی‌نیاز از ذکر سند می‌دیدند. ضمن این‌که بیشتر روایات این موضوعات در فریقین، مشترک مفهومی است.

روایات کتاب التمهیص اخلاقی است و در نگاه اولیه به جز روایت اول، مابقی مرسل است؛ اما الفاظ و مفاهیم آن منفرد نیست و با مراجعه به کتاب‌های متقدم، مثل: قرب الاسناد حمیری (متوفای حدود ۲۷۰ق) و محاسن برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ق) و کتب هم عصر، مثل: کافی کلینی (م ۳۲۸ق)، خصال، امالی، علل الشرائع و فضائل الشیعه صدوق (م ۳۸۱ق)، می‌توان بیش از نیمی از روایات آن را مسند کرد.^۲

۱. اصول الحدیث علومه و مصطلحه، ص ۲۴۷.

۲. مثلاً حدیث چهارم التمهیص این‌گونه آمده است: «عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: مَا كَانَ وَلَا يَكُونُ وَلَا يَكُونُ وَلَا يَكُونُ»

ج) ویژگی‌های متن التمحيص

از جمله ملاک‌های اعتبارسنجی کتب، قوّت و ضعف متن روایات موجود در آن است. ^۱ التمحيص متنی روان و قابل فهم دارد و شاید به همین جهت، شرح و حاشیه‌ای بر آن نگاشته نشده و چون کتابی کوتاه است، نیازی به تلخیص هم نداشته است. التمحيص متن وزینی دارد و علامه مجلسی درباره آن می‌گوید: «و متانتی تدلّ علی فضل مؤلفه»؛ یعنی متانت متن را دلیل فضل مؤلف دانسته است. ^۲ قوّت و ضعف متن با چند معیار ارزیابی می‌شود.

۱. موافقت با عقل

فقها و محدثان شیعه از عقل به عنوان یکی از معیارهای اعتبارسنجی روایات یاد کرده‌اند. ^۳ در بررسی التمحيص روایتی که مخالف عقل باشد، یافت نشد. در نگاه اولیه، شاید درباره چند روایت، شبهه مخالفت با عقل مطرح شود، اما با دقت و تأمل روشن می‌شود که مخالفتی با عقل ندارند؛ به عنوان نمونه، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که فرمودند:

هرکس چهار ویژگی داشته باشد، ایمان خود را کامل کرده است، اگرچه از فرق سر تا کف پایش خطا باشد؛ راست‌گویی، امانت‌داری، حیا و اخلاق نیکو.

ظاهر این روایت با عقل تناقض دارد. چگونه می‌شود فردی از فرق سر تا کف پایش غرق در گناه باشد و در همان حال، ایمانش کامل باشد؟! علامه مجلسی برای رفع این اشکال دوراه حل ارائه کرده است؛ اول این‌که امکان دارد روایت را حمل بر صغائر کنیم، زیرا صدور کبائر زیاد از صاحب این خصلت‌ها بعید است و اصلاً جرئت بر اصرار کبائر پیدا نمی‌کند و صغائر هم با وجود این خصلت‌ها بخشیده می‌شود. دوم این‌که احتمال دارد داشتن این خصلت‌ها او را به توبه بکشاند، زیرا هر کدام از این ویژگی‌ها جلوی

بِكَائِنٍ مُّؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ جَاؤُ يُؤْذِيهِ وَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا فِي جَزِيرَةٍ مِنْ جَزَائِرِ الْبَحْرِ لَابْتَعَتْ اللَّهُ مَنْ يُؤْذِيهِ. «کلینی همین حدیث را با سند کامل آورده: «سَهْلُ بْنُ زِيَادٍ عَنْ يَحْيَى بْنِ الْمُبَارَكِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَبَلَةَ عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: مَا كَانَ وَلَا يَكُونُ وَلَا يَكُونُ بِكَائِنٍ مُّؤْمِنٍ إِلَّا وَ لَهُ جَاؤُ يُؤْذِيهِ وَ لَوْ أَنَّ مُؤْمِنًا فِي جَزِيرَةٍ مِنْ جَزَائِرِ الْبَحْرِ لَابْتَعَتْ اللَّهُ لَهُ مَنْ يُؤْذِيهِ.»؛ الكافي، ج ۲، ص ۲۵۱.

۱. ر.ک: مجلة حدیث اندیشه، «اعتبارسنجی احادیث شیعه»، ش ۱۰ و ۱۱.

۲. بحارالانوار، ج ۱، ص ۳۴.

۳. روش‌شناسی نقد احادیث، ص ۵۱۷.

بسیاری از گناهان را می‌گیرد. صدق، او را از دروغ و آشباه آن باز می‌دارد؛ ادای امانت او را از خیانت در اموال مردم، نپرداختن زکات و خمس و سایر حقوق الهی باز می‌دارد؛ حیای از خلق مانع می‌شود که تظاهر به اکثر گناهان کند و حیا از خدا او را از تعمد بر معاصی و اصرار بر گناه باز می‌دارد و وی را سریعاً به توبه می‌کشاند؛ حُسن خلق او را از گناهانی که مربوط به آزار خلق است، مانند: عاق والدین، قطع رحم و ضرر به مسلمین منع می‌کند. با وجود این، جزاندکی از گناهان باقی نمی‌ماند که آن هم به ایمان ضرر نمی‌زند و توفیق توبه پیدا می‌کند.^۱

یکی دیگر از روایاتی که ظاهر آن با عقل تناقض دارد، حدیثی منقول از امیرالمؤمنین علیه السلام است که فرمودند: «روزی در گروبی خردی، محرومیت در گرو عقل و آزمایش در گرو شکیبایی است.» علامه مجلسی می‌نویسد: «منظور این است که روزی احمق معمولاً وسعت داشته و عاقل از آن محروم است.»^۲ ملا صالح مازندرانی می‌گوید:

شاید سرش این باشد که چون احمق، دنیا را می‌طلبد به آن می‌رسد، چنان‌که خدای متعال فرموده: «هر کس زراعت آخرت را بخواهد به زراعت او می‌افزاییم و هر کس کشت دنیا را بخواهد به او عطا می‌کنیم، ولی دیگر در کشت آخرت نصیبی برای او نیست.»^۳ و از آن جا که عاقل، دنیا را ترک کرده و آخرت را می‌طلبد، دنیای اندکی به او داده می‌شود.^۴

چون خودش نخواسته و دنبال آن نبوده و می‌داند که دنیا در برابر آخرت ارزشی ندارد.

در روایت یکصد و دوم **التمحیص** مطلبی آمده که می‌تواند جواب شبهه موجود در این روایت باشد. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ وَسَّعَ فِي أَزْزَاقِ الْحُمَقَى لِيُعْتَبِرَ الْعُقَلَاءَ وَيَعْلَمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَ يُنَالُ مَا فِيهَا بِعَمَلٍ وَلَا حِيلَةٍ؛^۵ یعنی خداوند روزی افراد احمق را توسعه بخشیده تا عاقلان

۱. بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۲۹۵ و ج ۶۸، ص ۳۷۴.

۲. مرآة العقول، ج ۲۶، ص ۱۴۶.

۳. من كان يريد حرث الآخرة نزد له في حرثه و من كان يريد حرث الدنيا نؤته منها و ما له في الآخرة من نصيب؛ شوری، آیه ۲.

۴. شرح الکافی، مازندرانی، ج ۱۲، ص ۲۸۱.

۵. التمحیص، ص ۱۱۲، ح ۱۰۲.

عبرت بگیرند و بدانند که دنیا چیزی نیست که بتوان با زرنگی و نیرنگ به دست آورد؛ [گرچه ممکن است منافعی به دست آورد، اما مقطعی و کوتاه مدت است و بالأخره در همین دنیا به سختی خواهد افتاد].

۲. همخوانی با مسلمات دین و مذهب

برخی از آموزه‌ها جزء قطعی دین بوده و اختلافی در آن نیست. هرمتنی که با آموزه‌های برگرفته از قرآن و سنت قطعی، همخوانی نداشته باشد ضعیف بوده و متون همخوان با آن ارزشمند است. این معیار در دو محور قرآن و سنت، قابل ارزیابی است.

۲-۱. قرآن

بهترین ملاک سنجش روایات و تشخیص سره از ناسره، قرآن است.^۱ برای اکثر روایات *التمحیص* می‌توان ریشه‌ها و مؤیداتی از قرآن ارائه کرد؛ برای مثال، این کتاب مشتمل بر احادیثی درباره‌ی مقام صابران است. در حدیث ۱۲۵ آمده: «هر کس از شیعیان ما گرفتار شود و بر آن صبر کند، برای او پاداش هزار شهید خواهد بود.» در حدیث ۱۲۷، از قول امام صادق علیه السلام افرادی که در برابر بلاها صبر ندارند، سرزنش شده و به بردباری توصیه شده‌اند. این گروه از روایات را ذیل آیات متعددی از قرآن می‌توان قرار داد؛ مثل: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِيرِ الصَّابِرِينَ»^۲

نمونه‌ی دیگر، اعتقاد به قضا و قدر و تأثیر آن بر تحمل گرفتاری‌هاست. در حدیث ۱۳۰، امام صادق علیه السلام داناترین مردم را کسی دانسته که به قضای الهی راضی باشد. در روایت دیگری از همین گروه آمده:

سزاوارترین خلق خدا برای تسلیم در برابر آنچه خدا حکم کرده، کسی است که خدا را بشناسد و هر کس به قضای الهی راضی باشد، قضای الهی بر او وارد می‌شود و پاداش او افزوده می‌گردد و هر کس از قضای الهی خشمگین باشد، حکم بر او جاری شده و خداوند اجر او را ضایع می‌کند.^۳

۱. رک: روش‌شناسی نقد احادیث، ص ۳۴۶؛ به نقل از: *المیزان*، ج ۱۵، ص ۱۷۳.

۲. بقره، آیه ۱۵۵: «به یقین همه شما را با اموری همچون ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و بشارت ده به صابران.» (ترجمه همه آیات از آیت‌الله مکارم شیرازی است).

۳. *التمحیص*، ص ۱۳۸، ح ۱۴۱.

آیاتی از این دست در قرآن کریم فراوان است؛ مثل: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّىٰ عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ^۱ وَإِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ^۲ بر این اساس، روایات التمحیص نه تنها مخالف قرآن نیست، بلکه دارای موافقت مضمونی با قرآن کریم است.

۲-۲. نصوص و مفاهیم روایی پذیرفته شده

بالاترین درجه اعتبار اخبار از آن روایات متواتر است و خبر واحد درجه پایین تری دارد. حال اگر خبر واحد دارای قرائن صدور و صحت باشد، رتبه آن بالا می رود. یکی از این قرائن، موافقت خبر با نصوص و مفاهیم روایی پذیرفته شده است، مخصوصاً اگر این مفاهیم جزو اعتقادات شیعه بوده و موجب همخوانی کتاب با فرهنگ شیعی شود. با بررسی انجام شده روشن شد که تمام روایات کتاب التمحیص در سایر روایات شیعه شاهد مفهومی دارد؛ مثلاً در روایت یکصد و شصتم امام صادق علیه السلام می فرماید: «به خدا سوگند، محبوب ترین اصحاب نزد من زاهدترین و پنهان دارترین آنها به حدیث ماست.» بر اساس نصوص و مفاهیم روایی پذیرفته شده، یکی از اعتقادات شیعه «تقیه» و «کتمان» است و این گروه از روایات در التمحیص، با نصوص و مفاهیم مذکور همخوان است.^۳ نتیجه این که تعداد فراوانی از روایات التمحیص تواتر معنوی داشته و آن هایی که تواتر ندارد، مؤیدات فراوانی در منابع حدیثی دال بر صحت و صدور آن از معصوم وجود دارد.

۳. مؤیدات متنی از سایر منابع

احادیث کتابی هرچه بیشتر در کتب حدیثی دیگر آمده باشد، اطمینان به صدور آن افزایش می یابد. برای بیشتر روایات کتاب التمحیص می توان شواهدی از کتاب های حدیثی آورد و یا عینش را در آن کتاب ها یافت؛^۴ مثلاً این حدیث امام صادق علیه السلام که

۱. انعام، آیه ۲.

۲. قمر، آیه ۴۹، و نیز رک: بقره، آیه ۱۵۶ و حدید، آیه ۲۱.

۳. رک: الکافی، ج ۲، ص ۲۱۷، باب التقیه و ج ۲، ص ۲۲۱، باب الکتمان.

۴. التمحیص دارای ۱۷۱ روایت است که ۴۷ حدیث در کاف، هفت حدیث در امالی صدوق، هشت حدیث در خصال شیخ صدوق، نه روایت در المومن حسین بن سعید اهوازی، پنج روایت در امالی طوسی، هشت روایت در محاسن برقی، نه روایت در اعلام الدین طبرسی، ۴۶ حدیث در مشکاة الانوار و هشت حدیث در مسکن النواد شهید ثانی نیز آمده است.

می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ أَنْعَمَ عَلَيَّ قَوْمٍ فَلَمْ يَشْكُرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ وَبَالًا وَابْتَلَى قَوْمًا بِالْمَصَائِبِ فَصَبَرُوا فَصَارَتْ عَلَيْهِمْ نِعْمَةً.»^۱ در کافى (ج ۲، ص ۹۲)، تهذيب (ج ۶، ص ۳۳۷)، امالى صدوق (ص ۳۰۲)، تحف العقول (ص ۳۵۹)، مجموعه ورام (ج ۲، ص ۱۸۷)، مشکاة الانوار (ص ۲۶ و ۳۳)، روضة الواعظين (ج ۲، ص ۴۷۳) و جامع الاخبار (ج ۱، ص ۱۲۷) آمده است.

۴۳ روایت از روایات التمحیص فقط در کتب متأخر از آن آمده است؛ برای مثال، روایت پانزدهم^۲ در مشکاة الانوار (ص ۲۸۷) و بحار الانوار (ج ۶۴، ص ۲۴۰) آمده و در جای دیگری یافت نشد. علامه مجلسی رحمته الله روایت نهم التمحیص را در جلد ۶۷ بحار الانوار (ص ۲۴۰) آورده،^۳ اما در منابع هم عصر التمحیص یافت نشد. سه روایت: ۱۸، ۲۹ و ۷۶ که حدود دو درصد کل روایات کتاب است، در کتب دیگر نیامده است، مثل این روایت: عَنْ أَبِي سَيَّارٍ رَوَاهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: إِذَا ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُ كَانَ كَفَّارَةً لَهُ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ وَيَسْتَعِيثُ فِيمَا بَقِيَ.^۴ هنگامی که مؤمن گرفتار می شود، کفاره گناهان گذشته اش بوده و برای گناهان آینده اش استغاثه می کند.

هرچند عین این روایات در منابع حدیثی یافت نشد، اما مضمون آن در فرهنگ روایی شیعه موجود است؛ برای نمونه، در ثواب الاعمال^۵ روایاتی با مضمون حدیث هجدهم التمحیص آمده است.

۴. کمی آسیب های متن

در طول تاریخ، عوامل مختلفی باعث آسیب دیدن متون برخی از روایات شد. هر چه متون حدیثی کتابی کم آفت تر باشد، ارزش آن بیشتر است. با بررسی کتاب التمحیص روشن می شود که متون آن تا حد زیادی از آسیب های متنی در امان مانده است. در این جا یک نمونه - که شاید آسیب به نظر برسد - بررسی می شود.

همچنین ۳۶ حدیث این کتاب در وسائل الشیعه، ۱۶۰ حدیث در بحار الانوار و ۴۶ حدیث در مستدرک الوسائل ذکر شده است.

۱. التمحیص، ص ۱۳۰، ح ۱۲۸.

۲. «عَنْهُ قَالَ إِنَّ أَصَابَكُمْ تَمَحِيصٌ فَاصْبِرُوا فَإِنَّمَا يَبْتَلِي اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَمْ يَزَلْ إِخْوَانَكُمْ قَلِيلًا أَلَا وَإِنَّ أَقْلَ أَهْلِ الْمَحْشَرِ الْمُؤْمِنُونَ.»

۳. «عَنْ طَلْحَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الْمُؤْمِنِينَ فِي دَارِ الدُّنْيَا عَرْضًا لِعَدُوِّهِمْ.»

۴. التمحیص، ص ۵۲، ح ۱۸.

۵. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۱۹۳.

روایتی در التمحیص این گونه آمده:

عَنْ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ مِنْ عِبَادِي لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِمَّا يَسْتَوْجِبُ بِهِ عُقُوبَتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَأَنْظُرُ لَهُ فِيمَا فِيهِ صَلاَحُهُ فِي آخِرَتِهِ فَأَعْجَلُ لَهُ الْعُقُوبَةَ فِي الدُّنْيَا لِأَجَازِيهِ بِذَلِكَ الذَّنْبِ.^۱

همین روایت در کافی این گونه آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْعَبْدِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: إِنَّ الْعَبْدَ مِنْ عِبِيدِي الْمُؤْمِنِينَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِمَّا يَسْتَوْجِبُ بِهِ عُقُوبَتِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَأَنْظُرُ لَهُ فِيمَا فِيهِ صَلاَحُهُ فِي آخِرَتِهِ فَأَعْجَلُ لَهُ الْعُقُوبَةَ عَلَيْهِ فِي الدُّنْيَا لِأَجَازِيهِ بِذَلِكَ الذَّنْبِ وَأَقْدِرُ عُقُوبَةَ ذَلِكَ الذَّنْبِ وَأَقْضِيهِ وَأَثْرُكُهُ عَلَيْهِ مَوْفُوفاً غَيْرَ مُتَّصِيٍّ وَ لِي فِي إِمْصَائِهِ الْمَشِيئَةُ وَمَا يَعْلَمُ عَبْدِي بِهِ فَأَتَرَدُّ فِي ذَلِكَ مِرَاراً عَلَى إِمْصَائِهِ ثُمَّ أَمْسِكُ عَنْهُ فَلَا أَمْضِيهِ كَرَاهَةً لِمَسَاءَتِهِ وَ حَيْدِراً عَنْ إِدْخَالِ الْمُكْرُوهِ عَلَيْهِ فَأَتَطَوَّلُ عَلَيْهِ بِالْعَمْرِ عَنْهُ وَ الصَّفْحِ مَحَبَّةً لِكُفَّاتِهِ لِكَثِيرِ نَوَافِلِهِ الَّتِي يَتَقَرَّبُ بِهَا إِلَيَّ فِي لَيْلِهِ وَ نَهَارِهِ فَأَصْرِفُ ذَلِكَ الْبَلَاءَ عَنْهُ وَ قَدْ قَدَّرْتُهُ وَ قَضَيْتُهُ وَ تَرَكْتُهُ مَوْفُوفاً وَ لِي فِي إِمْصَائِهِ الْمَشِيئَةُ ثُمَّ أَكْتُبُ لَهُ عَظِيمَ أَجْرٍ نَزُولِ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَ أَذْخِرُهُ وَ أَوْفِرُ لَهُ أَجْرَهُ وَ لَمْ يَشْعُرْ بِهِ وَ لَمْ يَصِلْ إِلَيْهِ أَذَاهُ وَ أَنَا اللَّهُ الْكَرِيمُ الرَّءُوفُ الرَّحِيمُ.^۲

روشن است که متن در التمحیص تقطیع شده، اما ضربه‌ای به فهم روایت نزده است.^۳ توضیح این که یکی از آسیب‌های احادیث، تقطیع نادرست است. هر روایت، گفتاری یک پارچه بوده که صدر و ذیل آن به هم مرتبط است. اگر تقطیع، عالمانه و فنی نباشد، باعث از بین رفتن برخی قرائن شده و به عدم فهم یا برداشت نادرست از روایت، منجر می‌گردد. در التمحیص تقطیع، نادرست و همین موارد اندک به صورت کاملاً علمی انجام شده و ضربه‌ای به فهم روایت نزده است.

۱. التمحیص، ص ۶۴، ح ۳۷. ابن ابی یعفر می‌گوید: شنیدم که امام صادق علیه السلام فرمود: «خداوند متعال فرمود: گاهی بنده مؤمن من گناه بزرگی مرتکب می‌شود و مستحق عقوبت من در دنیا و آخرت می‌گردد؛ پس مصلحت آخرت او را در نظر می‌گیرم و در دنیا عقابش می‌کنم تا مجازات گناهانش باشد».

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۴۹، ح ۱.

۳. نمونه‌های دیگری از تقطیع را می‌توانید در روایات ۳۳، ۵۶ و ۹۹ مشاهده کنید.

نتیجه‌گیری

متن *التمحیص*، قابل اعتماد است، زیرا حدود سه چهارم روایات آن در متون حدیثی متقدم شیعه به صورت مسند نقل شده است. کمی آسیب‌های متن، موافقت کامل متون کتاب با عقل، همخوانی با مسلمات مذهب و مؤیدات متنی فراوان از سایر منابع، از دیگر قوت‌های آن است. در جمع‌بندی نهایی باید گفت، *التمحیص* از حیث نسخه و طریق اعتباری ندارد، اما متن آن معتبر است. مؤلف آن هم مشخص نیست اما اگر بپذیریم که ابن‌همام اسکافی مؤلف این اثر است، اعتبار بیشتری عاید کتاب می‌شود. اگر ابن‌شعبه حرانی هم مؤلف آن باشد، در مجموع از حیث مؤلف، قابل اعتماد است.

پیشنهاد‌های پژوهشی

۱. تدوین مسند ابن‌همام با توجه به جایگاه والا و کثیرالروایه بودن او.
۲. تخریج فنی روایات *التمحیص*.
۳. جداسازی و تنظیم و تحلیل روایات اعتقادی *التمحیص* با هدف شخصیت‌شناسی مؤلف و شناسایی عصر وی.

کتاب نامه

- قرآن کریم.
- «اعتبارسنجی احادیث شیعه: مبانی و زیر ساخت ها»، سیدعلیرضا حسینی، مجله حدیث اندیشه، پاییز ۱۳۸۹ و تابستان ۱۳۹۰، شماره ۱۰ و ۱۱.
- اختیار معرفت الرجال (مع تعلیقات میرداماد الأسترآبادی)، محمد بن عمر کشی، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، اول، ۱۳۶۳ ش.
- الأملی، محمد بن حسن طوسی، قم: دارالثقافه، اول، ۱۴۱۴ ق.
- الأملی، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، تهران: کتابچی، ششم، ۱۳۷۶ ش.
- الأملی، محمد بن محمد مفید، قم: کنگره شیخ مفید، اول، ۱۴۱۳ ق.
- امل الامل، محمد بن حسن حر عاملی، تحقیق: سید احمد الحسینی، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی، اول، ۱۴۳۱ ق.
- آشنایی با علوم حدیث، علی نصیری، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه، سوم، ۱۳۸۳.
- البرهان فی تفسیر القرآن، سیدهاشم بن سلیمان بحرانی، قم: مؤسسه بعثت، اول، ۱۳۷۴ ش.
- تاریخ بغداد، ابوبکر احمد بن علی خطیب بغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، دوم، ۱۴۲۹ ق.
- تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله حسن بن علی ابن شعبه حرانی، قم: جامعه مدرسین، دوم، ۱۳۶۳ ش.
- ترجمه و شرح نهج البلاغه، شریف الرضی، ترجمه: محمد بن حسین فیض الاسلام اصفهانی و علی نقی، تهران: مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، پنجم، ۱۳۷۹ ش.
- تصحیح اعتقادات الإمامیه، محمد بن محمد (مفید)، قم: کنگره شیخ مفید، دوم، ۱۴۱۴ ق.
- تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، محمد بن محمد رضا قمی مشهدی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، اول، ۱۳۶۸ ش.
- تفسیر نور الثقلین، عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، قم: اسماعیلیان، چهارم، ۱۴۱۵ ق.

- التمحیص، محمد بن همام بن سهیل اسکافی، قم: مدرسه الإمام المهدی علیه السلام، اول، ۱۴۰۴ق.
- تنبیه الخواطر ونزهة النواظر (مجموعه وژام)، مسعود بن عیسی ورام بن أبی فراس، قم: مکتبه فقیه، اول، ۱۴۱۰ق.
- تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، محمد بن حسن طوسی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، محمد بن علی بن بابویه، قم: دار الشریف الرضی للنشر، دوم، ۱۴۰۶ق.
- جامع أحادیث الشیعه، آقا حسین بروجردی، تهران: انتشارات فرهنگ سبز، اول، ۱۳۸۶ش.
- جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، علی بن موسی ابن طاووس، قم: دارالرضی، اول، ۱۳۳۰ق.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه، قم: جامعه مدرسین، اول، ۱۳۶۲ش.
- راهنمای حقیقت، جعفر سبحانی، تهران: نشر مشعر، پنجم، ۱۳۸۷ش.
- رجال البرقی (الطبقات)، احمد بن محمد برقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، اول، ۱۳۴۲ش.
- رجال (إختیار معرفة الرجال)، محمد بن عمر کشی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، اول، ۱۴۰۹ق.
- رجال، حسن بن یوسف حلی، نجف اشرف: دارالذخائر: دوم، ۱۴۱۱ق.
- رجال نجاشی، احمد بن علی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ششم، ۱۳۶۵ش.
- روش شناسی نقد احادیث، علی نصیری، قم: وحی و خرد، اول، ۱۳۹۰ش.
- روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، محمد تقی بن مقصود علی مجلسی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، دوم، ۱۴۰۶ق.
- سکن الفؤاد عند فقد الأحبة والأولاد، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، قم: بصیرتی، اول، [بی تا].
- شرح الکافی، محمد صالح بن احمد مازندرانی، تهران: المکتبه الإسلامیه، اول، ۱۳۸۲ق.
- صفات الشیعه، محمد بن علی بن بابویه، تهران: أعلمی، اول، ۱۳۶۲ش.

- الغارات (الإستنفار والغارات)، ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقفی، قم: دارالکتاب الإسلامی، اول، ۱۴۱۰ق.
- فرحة الغری فی تعیین قبر أمير المؤمنين علی بن أبی طالب عليه السلام فی النجف، عبدالکریم بن احمد بن طاووس، قم: منشورات الرضی، اول، [بی تا].
- فرهنگ کتب حدیثی شیعه، سید محمود مدنی بجستانی، قم: سپهر، اول، ۱۳۸۵ش.
- فهرست کتب الشیعة وأصولهم وأسماء المصنفین وأصحاب الأصول، محمد بن حسن طوسی، قم: ستاره، اول، ۱۴۲۰ق.
- الکافی، محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کتاب سلیم، سلیم بن قیس هلالی، الهادی، قم، چاپ اول، ۱۴۰۵ق.
- لسان العرب، محمد بن مکرم بن منظور، بیروت: دارالفکر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، قم: دارالکتب الإسلامیه، دوم، ۱۳۷۱ق.
- مدینه معجز الأئمة الإثنی عشر، سید هاشم بن سلیمان بحرانی، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه، اول، ۱۴۱۳ق.
- مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، تهران: دارالکتب الإسلامیه، دوم، ۱۴۰۴ق.
- مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، حسین بن محمد تقی نوری، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، اول، ۱۴۰۸ق.
- مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، علی بن حسن طبرسی، نجف: المكتبة الحیدریه، دوم، ۱۳۴۴ش.
- معانی الأخبار، محمد بن علی بن بابویه، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، اول، ۱۴۰۳ق.
- مقباس الهدایه فی علم الدرایه، عبد الله مامقانی، تحقیق: محمدرضا مامقانی، قم: دلیل ما، اول، ۱۳۸۵ش.
- ملاک های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه (جزوه)، سید محمد کاظم طباطبایی، تدوین: محمد مهدی احسانی فر، قم: دارالحدیث، اول، ۱۳۸۶ش.
- ملاک های اعتبارسنجی منابع حدیث شیعه، محمد مهدی احسانی فر، دانشکده علوم حدیث، پایان نامه کارشناسی ارشد، (رشته علوم حدیث، گرایش تفسیر اثری)، آذر ۱۳۸۹.

- من لا يحضره الفقيه، محمد بن على بن بابويه، قم: مؤسسة النشر الاسلامى، دوم، ١٤١٣ق.
- المؤمن، حسين بن سعيد، قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام، ١٤٠٤ق.
- الميزان فى تفسير القرآن، سيد محمد حسين طباطبايى، بيروت: دار احياء التراث العربى، اول، ١٤٢٧ق.
- نهج البلاغه، محمد بن حسين شريف الرضى، تحقيق: صبحى صالح، قم: هجرت، اول، ١٤١٤ق.